

سوال

مشکلی دارم که مرا بسیار متحیر کرده و به فکر فرو برده است. تقریباً دو ماه است که توانسته‌ام از امتحانات تدریس در مرحله دبیرستان با موفقیت عبور کنم و اکنون در مدرسه تربیت معلم زبان انگلیسی هستم. من در یک بخش مختلط درس می‌خوانم که ۱۵ دانش آموز پسر و ۱۵ دانش آموز دختر دارد. پس از آن به عنوان معلم در یکی از دبیرستان‌ها مشغول خواهم شد. این دبیرستان‌ها هم مختلط است. چیزی که مرا به حیرت فرو برده این است که من می‌دانم که اختلاط حرام است و مرد باید چشمان خودش را حفظ کند اما در دل می‌گویم که کشور ما مانند دیگر کشورهای اسلامی نیست و اهل دین و استقامت باید در این مناصب حضور داشته باشند تا راه را بر اهل بدعت و گناهکاران ببندند و جا را برایشان تنگ کنند. اکنون نمی‌دانم که آیا برای کاری که می‌کنم پاداش دارم یا آنکه شیطان دارد این را برایم زیبا جلوه می‌دهد و در دلم این توهم را ایجاد کرده که تمام فکر و ذکر من نشر دعوت و سود رساندن به مسلمانان و راهنمایی آنان به سوی عقیده خالص و درست است. من قناعت دارم که تدریس زنان توسط یک مرد نامحرم بدون هیچ پرده و مانعی میان آنها جایز نیست اما آیا در صورتی که سکولارها و صوفی‌ها و دیگران بیشتر مجال‌ها را اشغال کرده‌اند کار من ضروری خواهد بود؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

یکی از اموری که مسلمانان در این دوران مبتلای آن شده‌اند، انتشار اختلاط در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و بیشتر مؤسسات و کارهای حکومتی است.

قبلاً درباره تحریم اختلاط و مفاسدی که از آن منجر می‌شود در پاسخ به سوال شماره (1200) سخن گفتیم و بیان کردیم که بر مسلمان واجب است تا از تحصیل و کار در اماکن مختلط دوری کند.

اما با این حال در سرزمین‌هایی که اهل آن مبتلای وجود اختلاط در بیشتر مجال‌ها به ویژه مجال آموزش و محل کار شده‌اند به طوری که برای مسلمان دشوار است که خودش را از آن دور نگه دارد، رخصت‌هایی داده می‌شود که برای دیگران که خداوند آنها را از این امور حفظ کرده داده نمی‌شود.

این تریخص بر این قاعده فقهی بنا شده که: «هرآنچه برای سد ذریعه حرام شده، برای نیاز و مصلحت راجح مباح می‌شود».

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید: «همه شریعت بر این استوار است که مفسده‌ای که به حرام منجر می‌شود اگر در برابر یک نیاز راجح قرار گیرد، آن حرام مباح می‌گردد» (مجموع الفتاوی: ۲۹/۴۹).

و می‌گوید: «آنچه از باب سد ذریعه است در صورتی از آن نهی می‌شود که به آن نیاز نباشد، اما در صورتی نیاز به دلیل آنکه مصلحتی جز با آن حاصل نگردد، در این صورت مورد نهی نیست» (مجموع الفتاوی: ۲۳/۲۱۴).

ابن قیم - رحمه الله - می‌گوید: «آنچه برای سد ذریعه حرام شده برای مصلحت راجح مباح می‌شود، همانطور که عرایا از ربای فضل مباح قرار داده شده و همانطور که [نمازهای] داری سبب پس از نمازهای صبح و عصر جایز است و همانطور که نگاه [به نامحرم] برای خواستگار و شاهد و پزشک و معامل جایز است، و همینطور تحریم طلا و حریر برای مردان برای سد ذریعه شبیه به شدن زنان است و فاعل آن مورد لعن است اما آنچه از آن مورد نیاز باشد مباح است» (إعلام الموقعین: ۲/۱۶۱).

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید: «هر آنچه تحریم آن، تحریم وسیله بود (یعنی چون وسیله رسیدن به حرام بوده حرام شده) هنگام نیاز جایز است» (منظومة أصول الفقه: ۶۷).

آنچه به نظر می‌آید - والله اعلم - آن است که در چنین سرزمین‌هایی که این بلا در آن فراگیر است و تحصیل و کار همراه با اختلاط است، چنانکه گذشت، رخصت‌هایی به آنها داده می‌شود که به دیگران داده نمی‌شود، اما این مشروط به چند شرط است:

نخست: اینکه انسان در آغاز تلاش کند و به قدر توانش در پی مکانی باشد که در اختلاط نباشد.

ثانیا: احکام شرع را رعایت کند یعنی چشم خود را حفظ کند و در سخن و گفتگو بیش از حد نیاز کاری یا تحصیلی زیاده‌روی نکند.

از شیخ ابن عثیمین درباره جوانی پرسیده که برای تحصیل تنها مدرسه‌ای مختلط یافته است. ایشان چنین پاسخ دادند: «بر تو واجب است که در پی مدرسه‌ای باشی که وضعیتش به این صورت نباشد و اگر مدرسه‌ای نیافتی جز با این وضعیت و نیاز به تحصیل داشتی [در همین مدرسه] درس می‌خوانی و به اندازه توانت سعی می‌کنی از فحشا و فتنه به دور باشی به طوری که چشم و زبان خود را حفظ کنی و با زنان سخن نگویی و از کنار آنان نگذری» (فتاوی نور علی الدرب: ۱/۱۰۳).

(۱۳/۱۲۷).

ثالثا: اگر انسان ملاحظه کرد که در حال لغزش به سمت حرام است و به سبب زنانی که اطرافش هستند دارد به فتنه می‌افتد، در این حالت سلامت دینش مهم‌تر از هر مصلحت دیگری است و باید آن جا را ترک کند و الله عزوجل او را از فضل خود بی‌نیاز خواهد کرد.